

کدام کشورها در شرایط تحریمی سرمایه خود را راهی ایران کردند؟

رشد ۲/۵ برابری سرمایه گذاری خارجی در دولت سیزدهم

بارها مورد تأکید قرار گرفته است. حالانیز آمارها و ارقامی که از سوی وزارت اقتصاد اعلام شده نشان دهنده سرمایه گذاری بیش از ۱۰۶ میلیارد دلاری و رشد ۲،۵ برابری آن در دولت سیزدهم است.

حمایت از سرمایه گذاران داخلی و جذب سرمایه گذار خارجی یکی از اهداف اصلی دولت سیزدهم در طول ماه‌ها و سال‌های گذشته بوده که از سوی مسئولان دولت به‌ویژه تیم اقتصادی رئیس‌جمهوری

گزارش

فرانک جوادی

روزنامه‌نگار

گفته می‌شود در ۲۰ سال گذشته متوسط جذب سرمایه خارجی در ایران دو میلیارد دلار در سال بوده و در سال ۱۰ میلیارد دلار فرار سرمایه داشته‌ایم؛ موضوعی که قطعاً تبعات منفی خاص خود را برای اقتصاد دارد. با این وجود در دولت سیزدهم و در بخش‌های مختلف بر بحث سرمایه گذاری خارجی تأکید ویژه شده و در این راستا رویکرد جدیدی در دستور کار قرار گرفته است.

سرمایه گذاری خارجی ۱۰۶ میلیارد دلاری در ایران

به گفته علی فکری، رئیس کل سازمان سرمایه گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، در دولت سیزدهم ۵۷۸ طرح سرمایه گذاری به مبلغ ۱۰ میلیارد و ۰۸۰ میلیون دلار وارد ایران شده است.

او درباره جزئیات این سرمایه گذاری می‌گوید: «از ابتدای شهریور ماه سال ۱۴۰۰ تا پایان دی ماه امسال، ۵۷۸ طرح سرمایه گذاری خارجی به صورت اجرایی در آمده که حجم کلی این سرمایه‌ها ۱۰ میلیارد و ۰۸۰ میلیون دلار است.»

معاون وزیر اقتصاد همچنین درباره بخش‌های جذاب‌تر برای سرمایه گذاران خارجی توضیح می‌دهد: «سرمایه گذاری خارجی در ایران در بخش‌های مختلف و بالاترین میزان جذب سرمایه در بخش نفت و گاز بوده که با پنج سرمایه گذاری و عدد حدود ۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار صورت گرفته است.» طبق اظهارات این مسئول: «صنعت، بخش دیگر جاذبه سرمایه گذاری خارجی در ایران محسوب می‌شود که به دلیل طرح‌های بزرگ و جذاب توانسته ۳ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار جذب سرمایه خارجی داشته باشد.»

بزرگ‌ترین سرمایه گذاران خارجی در ایران

فکری درباره کشورهایی که بیشترین سرمایه را وارد ایران کرده‌اند از کشورهایی که در این زمینه نقش داشته‌اند یاد کرده و می‌گوید: «کشورهایی که در ایران و در این بازه زمانی یعنی



دو سال دولت سیزدهم سرمایه وارد ایران کرده‌اند، ابتدا روسیه در جایگاه بزرگ‌ترین سرمایه گذار با ۳۱ درصد سرمایه گذار بوده و بعد از آن امارات و چین قرار می‌گیرند. پس از سه کشور مذکور که حدود ۱۰ درصد سرمایه وارد ایران کرده‌اند، ایرانی‌های مقیم خارج از کشور، پاکستان و هندوستان در رتبه‌های بعدی هستند.»

او یکی از دلایل مهم ورود این حجم سرمایه به ایران را تغییر رویه دولت دانسته و توضیح می‌دهد: «یکی از دلایل افزایش حجم سرمایه گذاری در ایران تضمین بازگشت سود و اصل سرمایه به سرمایه گذار است. در عین حال مابشرایطی را فراهم می‌کنیم که سرمایه گذار خارجی از همه فرصت‌های سرمایه گذاری در ایران در راستای منافع و اهداف سرمایه گذاری خود استفاده کند. در دولت سیزدهم منتظر کشورهایی که ابتدا باید موانع سیاسی خود را برابری ورود سرمایه به ایران حل می‌کردند، نماندیم و به سمت کشورهایی هم‌سو رفتیم. این یکی از دلایل مهم افزایش سرمایه گذاری در این دوره به حساب می‌آید.»

فکری در این باره تأکید می‌کند: «از ابتدای امسال با دستور

تحلیل یک کارشناس اقتصادی از آینده نرخ ارز:

نمی‌توان رابطه تورم و نرخ ارز را نادیده گرفت

یک کارشناس اقتصادی معتقد است که بر اساس نظر به برابری قدرت خرید، رابطه مستقیم و همبستگی بین نرخ ارز و نرخ تورم وجود دارد و هر یک از این موارد روی دیگری تأثیر می‌گذارند. بنابراین هنگامی که نرخ تورم بالای ۴۰ درصدی را در کشور شاهد هستیم، نمی‌توان انتظار مدیریت بازار ارز و ثابت نگه

کفت و گو

این کارشناس اقتصادی و تحلیلگر بازار ارز افزود: «حتی اگر دولت بخواهد با اعمال سیاست‌های خلق الساعه و یک‌شبه، نرخ ارز را ثابت نگه دارد، صف تقاضا برای ارز ایجاد خواهد شد. در چنین شرایطی ذخیره کردن ارز در گاو صندوق و فرار سرمایه، از کار کردن و تجارت با آن به صرفه‌تر می‌شود.» میثم رادپور در گفت‌وگویی با «آتیه‌نو» به بیان نظرات خود درباره وضعیت بازار ارز و عوامل مهم و مؤثر بر این بازار پرداخت که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

● به نظر شما نوسانات ارزی ماه‌های اخیر و سال جاری ناشی از چه عواملی است؟

اگر بخواهیم یک عامل اثرگذار و مهم را در میان دیگر عوامل نام ببریم، تورم عامل بزرگ و کافی برای جابه‌جایی‌ها و نوسانات بازار ارز به شمار می‌رود. البته می‌توان این مسئله را مطرح کرد که بخش مهمی از افزایش نرخ تورم به دلیل نوسانات ارزی است

و این رابطه را نمی‌توان یک‌سویه دید. در طول سال‌های گذشته در دوره‌هایی قیمت ارز کم‌وبیش ثابت بوده و تورم‌هایی نیز داشته‌ایم. می‌توان به زمان آغاز به کار دولت هشتم تا سال ۱۳۹۰ اشاره کرد. در این دهه تقریباً نرخ تورم بالایی را تجربه نکرده بودیم. این در حالی است که در سال‌های گذشته نرخ تورم بسیار بیشتری (بالا تر از ۴۰ درصد) و حتی بالاتر از سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی را شاهد بودیم.

ثابت نگهداشتن نرخ ارز در شرایط تورمی، نشانه ناکارایی و عامل هدررفت منابع است. در شرایط کنونی قیمت ارز به هر حال باید افزایش پیدا کند؛ چرا که بالاتر رفتن نرخ آن حاصل ناکارایی، عدم تخصیص بهینه یا عوامل دیگر است. نمی‌توان با وجود چنین تورم‌هایی که در سال جاری و سال‌های گذشته تجربه کردیم انتظار داشت قیمت کالاهای خارجی به همان نرخ‌های گذشته باشد و تغییری نکنند.

در این میان مهم‌ترین نظریه‌ای که از سوی اقتصاددانان مطرح می‌شود، نظریه برابری قدرت خرید است که می‌گوید قیمت ارز بر اساس اختلاف نرخ تورم نسبت به کشورهای دیگر تعیین می‌شود. همین مسئله سبب می‌شود که ارزش پول ملی یک کشور کمتر شود. به عنوان مثال اگر در ایران شاهد تورم ۵۰ درصدی در طول یک سال باشیم و در همان بازه زمانی نرخ تورم در آمریکا پنج درصد باشد، انتظار می‌رود ارزش پول ملی ایران ۴۵ درصد کمتر شود و ارزش دلار در برابر ریال به همین میزان افزایش پیدا کند.

در استان تهران ۳۱۵ طرح و بیش از هفت میلیارد دلار طی سنوات گذشته است. از این حیث در میان استان‌های کشور، استان تهران جزو پنج استان نخست بوده و از لحاظ سرمایه وارده با حجمی بالغ بر سه میلیارد دلار، در ردیف سه استان اول کشور قرار می‌گیرد.»

طبرسا همچنین در خصوص شناسایی و معرفی فرصت‌ها و اولویت‌های سرمایه گذاری در استان تهران می‌گوید: «۴۸ فرصت سرمایه گذاری در قالب فرم خلاصه اطلاعات طرح‌های سرمایه گذاری در بخش‌های صنعت، گردشگری و عمران شهری در سطح استان شناسایی شد که ۲۴ فرصت در پورتال ملی فرصت‌های سرمایه گذاری کشور تأیید شده است.»

جذب سرمایه در آینه بر نامه ششم

دولت در برنامه ششم توسعه موظف شده بود اقداماتی را برای افزایش سرمایه گذاری خارجی انجام دهد. بخش اول این برنامه پنج‌ساله به همین موضوع می‌پرداخت. در بند «الف» ماده (چهارم) آن به جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های لازم برای تجهیز منابع مالی مورد نیاز سرمایه گذاری از جمله تأمین منابع مالی خارجی تا متوسط سالانه ۲۰ میلیارد دلار از خطوط اعتباری بانک‌های خارجی در قالب تأمین مالی (فاینانس) خودگردان با اولویت تأمین مالی اسلامی، ۱۵ میلیارد دلار به شکل سرمایه گذاری مستقیم خارجی و ۲۰ میلیارد دلار قرار داده‌های مشارکتی خارجی اشاره شده بود.

در همین راستا وظایف دیگری نیز برای دولت تعیین شده بود که می‌توان به شفافیت اطلاعات در بازار سرمایه و راه‌اندازی مؤسسات رتبه‌بندی برای جذب سرمایه گذاری خارجی و تأمین مالی بین‌المللی، اجازه حضور و مشارکت مؤسسات مالی و اعتباری خارجی در ایران در چهارچوب قانون، اصلاح سیاست‌های ارزی و تجاری و تعرفه‌های و غیره اشاره کرد. حال نیز اگرچه هنوز برنامه هفتم توسعه به تصویب نرسیده، اما با این شرح و تفصیل خبری از برنامه جذب سرمایه گذاری خارجی در لایحه اعلامی نیست. باید دید برنامه ششم توسعه در بخش‌های مختلف تا چه اندازه محقق شده و در برنامه هفتم توسعه نهایتاً چه برنامه‌ای برای رسیدن به این هدف در نظر گرفته خواهد شد.

سرمایه خارجی‌ها به کدام استان‌ها می‌رود؟

درباره اینکه سرمایه وارد شده به کشور در نهایت چه می‌شود، داود طبرسا، مدیرکل امور اقتصادی و دارایی استان تهران می‌گوید: «تعداد مجوزهای سرمایه گذاری خارجی صادر شده

داشتن نرخ را داشت. به گفته رادپور، گرچه تحریم‌ها بر نوسانات ارزی و نرخ تورم اثر مستقیم دارد و عامل مهمی برای مشکلات معیشتی، رفاهی و اقتصادی است اما برای ایجاد ثبات در بازار ارز در وهله نخست باید به دنبال این باشیم که سطح عمومی قیمت‌ها خیلی جابه‌جا نشود و افزایش نیابد که روی بازارهای دیگر اثر بگذارد.

ارز را از بین برد یا نادیده گرفت. یعنی اگر نرخ تورم بالای در کشور وجود داشته باشد نمی‌توان نرخ ارز را ثابت نگه داشت و بالعکس. اگر این گونه باشد یعنی یک کالایی با قیمت پایین‌تر و ارزان‌تر فروخته می‌شود. همچنین به معنای ناکارایی و هدررفت منابع به حساب می‌آید.

● **با این وجود باید گفت راه بر رونرفتی از مارپیچ تورم و نرخ ارز وجود ندارد؟** باید به دنبال این باشیم که سطح عمومی قیمت‌ها در کشور آن قدر جابه‌جا نشود همه بازارها را تحت تأثیر قرار دهد؛ چرا که در کشوری که تا این حد تورم دارد نمی‌توان به فکر مدیریت بازار ارز بود. به بیان دیگر اعمال هر سیاستی که مخالف انگیزه‌های اقتصادی افراد و جامعه باشد، محکوم به شکست است.

حتی اگر در چنین شرایطی بخواهیم قیمت ارز را به صورت دستوری یا کاذب پایین نگه داریم، به همان میزان تقاضا برای خرید ارز افزایش پیدا می‌کند. به این دلیل که قیمت کالای خارجی ارزان‌تر از مشابه داخلی‌اش است. در این شرایط پر واضح است که وارد کنندگان سر از بازنشاسند و تقاضا برای چنین ارزی بالا برود.

وقتی ثروت به دلار تبدیل شود به صرفه‌تر از آینده‌ای است که در آن دلار با نوسان مواجه می‌شود. این همان فرار سرمایه‌ای است که در گزارش‌های حساب سرمایه شاهد آن هستیم. همان بازارهایی که هیچ‌وقت قرار نیست به کشور بازگردد یا در گاو صندوق‌ها ذخیره می‌شود.

سیاست‌گذار اقتصادی در این شرایط تنها به حفظ ظاهر توجه می‌کند. شاید برای او مهم نباشد که واقعیت در بازار ارز آن چیزی نیست که از سوی مراکز و سامانه‌های راه‌اندازی شده اعلام می‌شود، بلکه آن چیزی است که امروز در بازار می‌بینیم. قیمت واقعی ارز، نرخ‌های اعلامی نیست بلکه آن نرخ‌ها است که هر مشتری می‌تواند با آن ارز را خریداری کند. به عنوان مثال بانک مرکزی به عنوان مقام ناظر پولی و ارزی هر روز با دستورالعمل‌های جدید و خلق الساعه، شرایط را برای فعالان اقتصادی پیچیده‌تر می‌کند.

به عنوان مثال چرا باید صادرکننده را مجبور به بازگشت ارز به کشور کنیم؟ مگر نماند که صادرکننده‌های نیاز به گردش مالی دارد تا بتواند به کسب و کارش ادامه دهد. تنها دلیلی که برای این موضوع قابل توجه است اینکه دولت صادرکننده را مجبور می‌کند با وجود افزایش نرخ ارز، ارز خود را ۴۰ درصد پایین‌تر از نرخ موجود به دولت واگذار کند. همین مسئله سبب می‌شود ارز حاصل از صادرات به کشور بازنگردد؛ چرا که نباید از تولیدکننده یا تاجر که حاشیه سود حدود ۳۰ درصدی دارد انتظار داشت ارز صادراتی‌اش را ۴۰ درصد ارزان‌تر بفروشد!

یادداشت



ضرورت همخوانی نیازهای ارزی با منابع ارزی کشور

مجید کریمی

مدیرکل دفتر بازارهای مالی وزارت اقتصاد

ایجاد «ثبات» و «رفع نیاز» دو هدف اصلی حکمرانی ارزی مطلوب محسوب می‌شود. مواد غذایی استراتژیک بخش زیادی از منابع ارزی را به خود اختصاص داده است. در صورت اجرای اقداماتی همچون مذاکره و خرید از شرکت‌های تولیدکننده اصلی، توجه به بازار روسیه، خرید در فصول مناسب و اجاره واحداث انبار در مبدأ، قیمت تمام‌شده تأمین به شدت کاهش می‌یابد و نیازهای ارزی آن با منابع ارزی کشور همخوانی بیشتری پیدا می‌کند.

ما به دنبال حکمرانی ارزی و پیاده‌سازی قواعد و ترتیباتی هستیم که علاوه بر ایجاد ثبات، نیازهای ارزی کشور را رفع کند. عرضه کنندگان ارز صادرکنندگان، بانک مرکزی، قاچاقچیان و دارندگان ارزهای خانگی هستند. از طرف دیگر متقاضیان ارزی نیز واردکنندگان، قاچاقچیان وارداتی و سفته‌بازان محسوب می‌شوند. در ارتباط بین عرضه کنندگان ارز و متقاضیان آن نیز صرفی‌ها، بانک مرکزی و سامانه‌های مختلف نقش آفرینی می‌کنند. در خصوص منابع نفت و گاز و تأمین نیازهای وارداتی کالاهای اساسی بانک مرکزی به‌طور مستقیم نقش واسطه را ایفا می‌کند و حتی نرخ گذاری می‌کند.

در این میان درباره مسائلی مثل کیفیت تقاطع‌گیری بین عرضه و تقاضا، قیمت گذاری، ایجاد ابزارهای مشتقه، نحوه ورود سرمایه گذار خارجی و موارد مشابه ابهامات فراوانی وجود دارد. اینکه متولی توسعه صنعتی کشور چه نهادی است و سیاست گذاری ارزی چه نقشی در آن دارد، مسئله‌ای است که هنوز در حاکمیت روی آن اتفاق نظری وجود ندارد. به عنوان مثال تعیین نرخ تسعیر ارز در بورس کالا یا چه سازوکاری تعیین می‌شود؟ متولی پاسخگویی در مورد تأخیر در تأمین ارز چه نهادی است؟ مدیریت ثبت سفارش و آماردهی آن بر عهده کدام نهاد است؟ این ابهامات و مشکلات سال‌هاست در اقتصاد ایران وجود دارد و حکمرانی ارزی را تحت تأثیر قرار داده است.

مسئله بعدی تلاش برای کاهش اثر انتظاری نرخ ارز است که پیش‌نیازهای مهمی همچون مدیریت بحران‌های کوتاه‌مدت و بهبود وضعیت عملکرد بانک‌های تجاری دارد. نباید به ارز واردات کالاهای اساسی شوک وارد شود اما بهتر است به مرور زمان و به‌طور مستمر افزایش باید تا افزایش قابل توجه آن بعد از چند سال جلوگیری شود.

واردات مواد غذایی استراتژیک اکنون یکی از مهم‌ترین نیازهای تأمین ارز کشور است و امروز سازوکارهای حاکم بر واردات مواد غذایی استراتژیک مشکلات و ابهامات زیادی دارد. تفاوت در نرخ گذاری برای واردکنندگان دولتی و خصوصی، عدم شفافیت در میزان ارز تخصیص یافته به واردکنندگان، تأخیر در تأمین ارز واردات کشتی‌های حامل غذای اساسی، تمایل برخی تأمین‌کنندگان فعلی به استفاده از درهم امارات و مواردی از این دست، هزینه دولت در خرید کالاهای اساسی در شرایط فعلی را به مراتب افزایش داده است. تأمین ارز بعد از واردات در نهایت به گران شدن قیمت نهایی کالاهای وارداتی منجر می‌شود. در حالی که اگر دولت فرایند تأمین ارز را اصلاح کند و مستقیماً با تولیدکننده‌های کشورهای مثل روسیه و برزیل وارد مذاکره و تعامل شود، قیمت تمام‌شده واردات کاهش خواهد یافت. علاوه بر این استفاده از روش تهاذرتی در زمینه کالاهایی مثل کود یا اوره با کشور برزیل، می‌تواند در کاهش هزینه تأمین این کالاهای و بهبود روش تخصیص ارز مورد نیاز آن بسیار حائز اهمیت باشد.

امروز وارد کنندگان کالاهای اساسی در این فرایند انحصار ایجاد کرده‌اند، در صورتی که انحصار دولتی بهتر از انحصار شرکت‌های خصوصی است که قابل اعمال حاکمیت نیستند. در واقع روش اصلی باید شکستن انحصار و وارد کردن شرکت‌های متعدد برای واردات باشد، اما تا زمانی که امکان تحقق این روش نباشد، باید شرکت‌های دولتی خودشان به فرایندهای مذاکره و واردات کالاهای اساسی وارد شوند.